

رابطه استفاده از رسانه‌های جهانی و بازاندیشی مدرن با گرایش به
روابط فرازنشویی در بین زوجین شهر قروه

The Relationship of Global Media, Modern Reflexivity and
Tendency to Extramarital Relationship among Married Couples
of Qorveh City

M. Abdolmaleki, Ms.C.

M. Azam Azadeh, Ph.D.

M. Ghazinezhad, Ph.D.

✉ **مریم عبدالملکی**

کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (س)

دکتر منصوره اعظم آزاده

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (س)

دکتر مریم قاضی نژاد

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (س)

دریافت مقاله: ۹۴/۳/۲۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۶/۲۳

پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۱

Abstract

The present study examined the relationship of global media, modern reflexivity and marital satisfaction of couples willing to have extramarital involvement. The theoretical framework of this research is based on an integration of Giddens theory of cultural globalization, reflexivity and the transformation of intimacy, and approach towards satisfaction and psychological theories of Azkmp and Yablinsky.

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه استفاده از رسانه‌های جهانی، بازاندیشی مدرن و رضایت زناشویی با گرایش زوجین به روابط فرازنشویی می‌پردازد. چارچوب نظری این پژوهش تلفیقی از نظریه جهانی شدن فرهنگی، بازاندیشی و تغییر شکل صمیمیت گیدنز، رویکرد استفاده و رضایت‌مندی و نظریات روان‌شناسی اجتماعی از کمپ و یابلونسکی می‌باشد. مدل در نظر گرفته شده شامل متغیرهای: مصرف رسانه‌های جهانی، بازاندیشی مدرن و رضایت

✉ Corresponding author: Social Science Faculty, Azahra University, Tehran, Iran.
Email: Maryam.abdolmaleki68@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (س)
Maryam.abdolmaleki68@gmail.com پست الکترونیک:

The inferred model included variables: the use of global media, modern reflexivity, and marital satisfaction as the variables that are suggested to show tendency to extramarital involvement in spouses.

This research carried out using a multi-stage cluster sampling method, including 260 couples in Qorveh. The overall result of this study showed that consumption of media can set the stage to form the audience tendency to extramarital involvement; however, confronted people with these messages respond according to their psychological and social characteristics that is different responses and as a result affect them differently. Among the factors involved in the tendency to extramarital involvement, media consumption, modern reflexivity, marital satisfaction, gender, and mode of propose in marriage, have a significant relationship with extramarital involvement tendency.

Keywords: Consumption of Global Media, Modern Reflexivity, Marital Satisfaction, Tendency to Extramarital Involvement, Couples, Qorveh.

زناشویی است که به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر گرایش به روابط فرازناشویی دخالت داده شده‌اند. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش و از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، در بین ۲۶۰ نفر از زوجین شهر قروه انجام شده است.

نتیجه کلی پژوهش نشان داد مصرف رسانه‌های جهانی می‌تواند زمینه‌ای را فراهم کند که دیدگاه مخاطبان را در خصوص گرایش به روابط فرازناشویی شکل دهد اما مخاطبان در مواجهه با این پیام‌ها، متناسب با ویژگی‌های روانی و اجتماعی خود واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند و به این ترتیب تأثیرات متفاوتی را دریافت می‌کنند. از میان عوامل مؤثر بر گرایش به روابط فرازناشویی، مصرف رسانه‌های جهانی، بازاندیشی مدرن، رضایت زناشویی، جنسیت، نحوه ازدواج رابطه معناداری با گرایش به روابط فرازناشویی داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مصرف رسانه‌های جهانی، بازاندیشی مدرن، رضایت زناشویی، گرایش به روابط فرازناشویی، زوجین، قروه

مقدمه

روابط فرازناشویی^۱ پدیده‌ای است که اغلب به خاطر برطرف شدن نیازهای عاطفی یا جنسی فرد، از طریق روابط خارج از حیطه زناشویی به وقوع می‌پیوندد (هارلی و چالمرز، ۱۳۸۵: ۲۳). پیتمن^۲ معتقد است که روابط فرازناشویی ضرورتاً یک رابطه جنسی ساده نیست بلکه اساس این نوع روابط، در پنهان‌کاری می‌باشد. دنیای خیالی که در آن ناسازگاری، مسئولیت‌های روزمره، آزمون واقعیت و تفکر صادقانه جایگاهی ندارد (پیتمن، ۱۹۸۹، به نقل از گلاس، ۱۹۹۹). علی‌رغم آن که عقاید و

رفتارهای افراد مختلف، نسبت به روابط فرزان‌شویی و پیامدهای آن منفی است ولی روابط خارج از حیطه زناشویی هم برای زنان و هم برای مردان اتفاق می‌افتد و نرخ وقوع آن بر اساس نمونه‌گیری و تعریف از آن، متفاوت است. بر اساس نتایج آلن و بوکام (۲۰۰۴) به طور تقریبی ۱۲ تا ۷۵٪ افراد متأهل حداقل یک بار با خیانت زناشویی مواجه شده‌اند. باس و شاکلفورد (۱۹۹۷) نیز بیان می‌کنند روابط فرزان‌شویی در بین زوج‌های آمریکایی در محدوده ۷۰-۲۶٪ برای زنان و ۷۵-۳۳٪ برای مردان قرار دارد.

در گذشته ازدواج نوعی قرارداد بین والدین و خویشاوندان بود و زوجین نقش چندانی در انتخاب همسر نداشتند. هم‌چنین قرارداد ازدواج به شدت تحت تأثیر ملاحظات اقتصادی قرار داشت (گیدنز، ۱۳۸۷: ۵۷). بنابراین صمیمیت و رابطه جنسی زوجین منحصر به تولید مثل بود. هنوز هم بعضی از این مختصات سنتی در گروه‌های اجتماعی مختلف پابرجا هست. اما به طور کلی، در جوامع مدرن این الزام‌های از پیش تعیین شده در حال ریشه‌کن شدن هست و ازدواج به صورت رابطه‌ای درآمدی است که دلیل پیدایش و ادامه آن کسب لذت جنسی و داشتن رابطه صمیمی و عاطفی با همسر می‌باشد (گیدنز، ۱۹۹۲). در این میان، رسانه‌های جدید نیز در ترویج ارزش‌های جدید و شکل دادن به نگرش و رفتار زوجین نقش مهمی را ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، روند بازاندیشی زوجین در رفتارهای صمیمی و جنسی بیش از پیش سرعت گرفته است، گسترش روابط مردان و زنان در فضای مجازی حکایت از این امر دارد. در این صورت تغییر ذهنیت زوجین نسبت به موضوع عشق و صمیمیت و رابطه جنسی مسأله مهمی است که نشان می‌دهد آن‌ها تعاریف جدیدی از این مقولات دارند و در خصوص تغییر ذهنیت زوجین شهر قروه هنوز پژوهشی صورت نگرفته است و این امر باید مورد پژوهش قرار بگیرد.

امروزه خانواده‌ها بخش زیادی از زمان خود را به طور روزانه صرف استفاده از رسانه‌های مختلف می‌کنند و بخش قابل توجهی از دانش و اطلاعات خود را از این طریق به دست می‌آورند. این تغییرات فرهنگی و اجتماعی قدرت انتخاب و آزادی زوجین را در زمینه انتخاب همسر و سایر کنش‌ها تقویت نمود و می‌تواند انتظارات آن‌ها را نیز در زمینه داشتن رابطه جنسی و عاطفی رضایت‌بخش در ازدواج دچار تغییر کند. از سوی دیگر هنگامی که ارزش‌های جدید با ارزش‌های سنتی در تعارض قرار گیرد، می‌تواند با پیامدهای منفی همراه باشد. هم‌چنین اگر این تمایلات و انتظارات جدید در ساختار شخصیت افراد نهادینه نشود، فرد در یافتن راهنمای نگرش و عمل خود دچار سرگردانی می‌شود و این احتمال نیز وجود دارد که فقدان رضایت در روابط زوجین، آنان را به ارتباطات خارج از ازدواج سوق دهد. با توجه به مباحث مطرح شده، در این تحقیق برآنیم تا رابطه استفاده از رسانه‌های جهانی، بازاندیشی مدرن و رضایت از رابطه زناشویی را با میزان گرایش به روابط فرزان‌شویی در بین زوجین قروه بسنجیم.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق شامل دو بخش مطالعات تجربی (خارجی و داخلی) و مطالعات نظری است. از جمله منابع تجربی خارجی مرتبط با خیانت می‌توان به این تحقیقات اشاره کرد. نتایج پژوهش مارک، جانسون و مهاسین (۲۰۱۱) و لیو (۲۰۰۰) بیان می‌دارد که زوجینی که در روابط جنسی خود کمتر احساس رضایت می‌کنند احتمال بیشتری دارد که در روابط جنسی فرازناشویی درگیر شوند. این امر در مورد مردان بیشتر از زنان صادق است. نتایج آلن و اتکینز (۲۰۱۲) نیز در تحلیل داده‌های پیمایش عمومی مربوط به مرکز تحقیقات دانشگاه شیکاگو نشان داد که خیانت جنسی احتمال طلاق را افزایش می‌دهد و بیش از نیمی از زنان و مردانی که خیانت جنسی داشته‌اند، از همسرشان جدا شده یا طلاق گرفته‌اند.

در ایران تحقیقات بسیار کمی درباره روابط فرازناشویی انجام شده است و آمار رسمی روابط خارج از چارچوب زناشویی وجود ندارد اما برخی از پژوهش‌های مربوط به حوزه خانواده وجود این مسأله را تأیید کرده‌اند؛ به عنوان مثال، بر اساس پژوهش کاوه (۱۳۸۷) اکثر زنان و مردان مراجعه‌کننده به کلینیک بیان کرده‌اند که خود یا همسرشان روابط خارج از چارچوب ازدواج را در دوران ازدواج تجربه کرده‌اند. در سطح استان کردستان نیز، نگارنده با مطالعه پژوهش‌های مربوط به طلاق در استان کردستان همانند پژوهش ناصری (۱۳۹۰) به این نتیجه رسید که اغلب زوجین عهدشکنی همسر را به عنوان یکی از دلایل طلاق مطرح کرده‌اند. یافته‌های احمدی (۱۳۹۱) نیز حاکی از آن است نارضایتی از رابطه عاطفی و جنسی، انتقام از خیانت همسر، جنسیت و نوع ازدواج‌شان از عوامل تأثیرگذار بر برقراری رابطه خارج از چارچوب ازدواج است. نتایج برخی تحقیقات دیگر مانند سیدروغنی (۱۳۹۲) و اصغری (۱۳۸۷) حاکی از آن است جهانی شدن به واسطه فناوری اطلاعات و ارتباطات، نگرش‌ها و الگوهای تعاملات جنسی جوانان را تغییر داده است، به عنوان نمونه، نتایج پژوهش سیدروغنی نشان داد نگرش جنسی در میان کاربران اینترنت آزادانه‌تر است، هم‌چنین آمادگی برای رفتار ناهنجار جنسی کاربران اینترنت - به ویژه مردان - بیشتر از غیرکاربران است.

چارچوب نظری

برای تبیین مکانیسم تأثیر جهانی شدن بر بازانديشی در تعاملات جنسی و صمیمی، رضایت زناشویی و در نهایت گرایش به روابط فرازناشویی تلفیقی از نظریات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی را به کار گرفته‌ایم که به شرح زیر می‌باشند: گیدنز^۳ «مدرنیت» را به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌داند که از سده هفدهم به بعد در اروپا رواج یافت و به تدریج نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۴). گیدنز دوره مدرن را شامل دو دوره اولیه و متأخر می‌داند که در مدرنیته متأخر پیامدهای مدرنیته ریشه‌ای‌تر و جهانی‌تر از پیش شده‌اند. مدرنیته متأخر با فرآیندهای «جهانی شدن»^۴، «سنت‌زدایی»^۵ و «بازاندیشی اجتماعی»^۶ هم‌بسته است. گیدنز جهانی

شدن را ادامه روند مدرنيته مي‌داند. جهاني شدن در واقع محصول بر هم خوردن نظم سنتي فضا و مکان است. در طول ۳۰ سال گذشته، مهم‌ترين نيروي دگرگون‌کننده زندگي ما، بازارهاي اقتصادي نبوده است، بلکه تأثير ارتباطات بوده است که عموماً تحت عنوان انقلاب ارتباطات خوانده مي‌شود (گيدنز، ۱۳۸۴: ۶۲). وي معتقد است يکي از تأثيرات جهاني شدن در حوزه خانواده اين است که موقعيت زنان و موازنه قدرت آن‌ها با مردان در حال تغيير است. جوامع ما از نظر روابط ميان دو جنس، هر روز مساوات‌طلب‌تر مي‌شود. هم‌چنين در حوزه زندگي خانوادگي و روابط جنسي شاهد ظهور دموکراسي و برابري در حوزه عواطف هستيم (همان: ۱۲۷).

به باور اين جامعه‌شناس متأخر، زيستن در عصر اطلاعات به معنای افزايش بازانديشي اجتماعي است. بازانديشي به اين معناست که ما مجبوريم پيوسته و بي‌وقفه درباره اوضاع و شرايط زندگي مان فکر يا تأمل کنيم (گيدنز، ۱۳۸۸: ۴۵). نقش الگوهاي سنتي در جهت‌دهي به کنش افراد کم‌رنگ شده است و افراد در پرتو اطلاعات تازه دائماً کنش‌هاي خود را بازتفسير مي‌کنند.

از ديده‌گاه گيدنز عشق، روابط صميمي و جنسي از عناصری هستند که بايد تأثير مدرنيته را بر آن‌ها برسي کرد. از نظر وي تغيير شکل صميميت با هويت شخصي و شيوه‌هاي زندگي نيز ارتباط دارد و رابطه ناب و هويت شخصي به شدت با هم درآميخته‌اند (گيدنز، ۱۳۸۷: ۲۲). از نظر او هويت شخصي در فرهنگ‌هاي سنتي تابعي از جنسيت، تبار، پايگاه اجتماعي و ديگر صفاتي بوده است که فرد در برابر آن‌ها وضعيتي منفعلانه داشته است و نمي‌توانسته به صورت فعال نقشي براي به دست آوردن هويت خویش ايفا نمايد.

وي هم‌چنين در کتاب «تغيير شکل صميميت»، به موضوع روابط شخصي و صميمي و تغيير ويژگي‌ها و كيفيت اين روابط طی دوران اخير با تأثير از مدرنيته مي‌پردازد. وي روندی را توضيح مي‌دهد که آغاز آن «عشق شهواني» است و سپس به «عشق رمانتيک» و «عشق سيال» در روابط بين فردي مي‌رسد و به «رابطه ناب» ختم مي‌شود. «عشق شهواني»^۷ فرد را از زندگي اين‌جهاني غافل مي‌کند و چه بسا او را براي قرباني شدن در اين راه آماده مي‌کند» (گيدنز، ۱۹۹۲: ۳۸). وي عشق شهواني را از مفهوم «عشق رمانتيک»^۸ متفاوت مي‌داند و عشق رمانتيک به لحاظ فرهنگي بيشتري در غرب رواج يافت و در قرون ۱۸ و ۱۹ ظهور کرده است (همان). آرمان‌هاي عشق رمانتيک در همان زماني پديدار گرديدند که ازدواج اساس اقتصادي‌اش را از دست داد و بر مبنای گرايش دو طرفه شکل مي‌گرفت. با وجود اين گرايش دو طرفه، نابرابري و تقسيم کار جنسيتي بين زن و مرد وجود داشت.

گيدنز قبل از رسيدن به رابطه ناب در دوران جديد وضعيت ديگري را به نام «عشق سيال»^۹ شرح مي‌دهد. ساختار و فردگرایی در دوره مدرنيته متأخر از طريق تقويت برابري جنسيتي به عشق سيال اجازه بروز داده است. به عنوان مثال زنان به استقلال مالي رسيدند و به لحاظ جنسي آزادي يافتند.

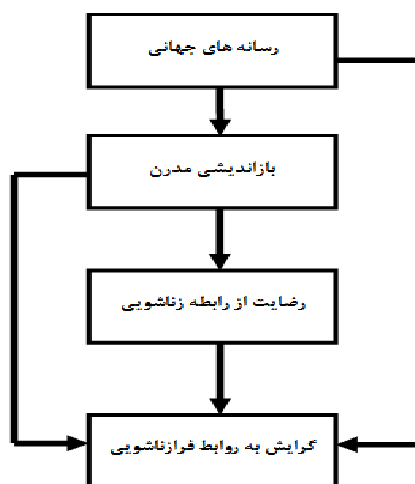
در رابطه مذکور، زن و مرد به دنبال رابطه‌ای صمیمی و برابر هستند و اگر خواسته‌ها و انتظارات آن‌ها در این رابطه تأمین نشد افراد می‌توانند قطع رابطه کنند و با فرد دیگری رابطه را آغاز کنند. به عبارتی افراد تا زمانی در رابطه باقی می‌مانند که به لحاظ عاطفی و جنسی راضی باشند. به همین دلیل گیدنز به آن عشق سیال می‌گوید که عشقی بی‌دوام و یک بار مصرف است (همان: ۳۹). گیدنز پس از توضیح دو نوع عشق مزبور نهایتاً به توضیح مفهوم رابطه ناب می‌پردازد. بین عشق و رابطه جنسی پیوند ذاتی برقرار است و مفهوم رابطه ناب این نظر را تأیید می‌کند. رابطه ناب^۱ از دید گیدنز رابطه‌ای برای خود (نفس) همان رابطه‌ای است که فارغ از وابستگی‌های بیرونی و فقط برای رضایت عاطفی دو طرف رابطه می‌باشد (همان: ۵۸). این امر بیشتر ویژگی عشق سیال است تا عشق رمانتیک که یک رابطه توأم با برابری حقیقی عاطفی و جنسی را نشان می‌دهد. دسترسی آسان به وسایل پیشگیری از بارداری و در نتیجه آن کنترل مولید به این معنی است که رابطه جنسی دیگر با هدفی مانند بازتولید نسلی معنا پیدا نمی‌کند بلکه در این نوع رابطه، لذت‌جویی و رضایت طرفین شرط برقراری رابطه است. استدلال وی این است که جدایی رابطه جنسی از تولید مثل، امکان رابطه ناب را به ارمغان آورده است (رابطه ای که در آن مرد و زن برابر هستند)، (گب، ۲۰۰۸). افراد در این رابطه از تمام قید و بندهای سنتی و الزامات بیرونی رها شده و تنها بر اساس خواسته‌ها و امیال خود عمل می‌کنند. اما همان طور که گیدنز بیان می‌کند از آن جایی که این روابط قراردادی بین دو نفر است و تعهد در این روابط درونی است، بنابراین این روابط سیال و شکننده می‌باشد.

در زمینه تبیین دقیق‌تر رضایت زناشویی و گرایش به روابط فرازناشویی نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی نیز هم‌چون تئوری انتظار از کمپ نیز به این مسأله اشاره دارد که عدم تحقق انتظارات، عدم تعادل بین «خواسته» و «داشته» است. هر کدام از زن و شوهر با تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی اقدام به ازدواج می‌کنند و زندگی را با انتظارات مشخص در مورد اینکه همسرشان چگونه باید رفتار کند، آغاز می‌کنند (از کمپ، ۱۳۶۹: ۲۶۰). به عنوان مثال یک زن ممکن است انتظار داشته باشد همسرش به او ابراز علاقه و محبت کند. اگر شوهرش این انتظار او را برآورده نکند زن ناراضی خواهد بود و زمینه برای اختلاف و کشمکش، کاهش علاقه و تمایل به رابطه با فردی غیر از همسر فراهم می‌شود. لواندوسکی و آکرمن (۲۰۰۶) نیز در نظریه نقص یا کمبود عنوان می‌کنند، وقتی رابطه‌ای در برخی موارد با کمبود و نقصان مواجه باشد مانند رضایت‌مندی کم از رابطه، عدم رضای نیازهای جنسی و ... منجر به پیمان‌شکنی می‌شود.

برای تبیین بخشی از مدل نظری یعنی رابطه بین استفاده از رسانه‌های جهانی و گرایش به روابط فرازناشویی از رویکرد استفاده و خشنودی استفاده کردیم. نظریه استفاده و رضایت‌مندی با اتخاذ رویکردی کارکردگرایانه به ارتباطات و رسانه، مهم‌ترین نقش رسانه‌ها را برآورده ساختن نیازها و انگیزه‌های مخاطب می‌داند. بنابراین، به هر میزان که رسانه‌ها این نیازها و انگیزه‌ها را برآورده سازند،

به همان میزان موجبات رضایت‌مندی مخاطب را فراهم می‌کنند. کاتز^{۱۱} و همکارانش (۱۹۷۳)، ۳۵ نیاز را (عمدتاً نظری) درباره کارکردهای اجتماعی و روان‌شناختی رسانه در نظر گرفته و آن‌ها را در چهار دسته قرار می‌دهند: نیازهای شناختی (کسب اطلاعات، آگاهی و شناخت)، نیازهای عاطفی (تجارب عاطفی، لذت یا زیبایی‌شناسانه)، نیازهای انسجام‌بخش شخصی (تقویت اعتبار، اعتماد، ثبات و پایگاه)، نیازهای گریز از تنش (فراغت و آسایش) (به نقل از سورین و تانکار، ۱۳۸۱: ۴۲۰). طبق این نظریه مخاطب برای تأمین نیاز خود آگاهانه رسانه مورد نظر را انتخاب می‌کند و هر چه محتوای رسانه‌ای خشنودی بیشتری برای وی فراهم آورد احتمال زیادی دارد که از آن استقبال کند.

مدل ۱: مدل نظری تحقیق



- فرضیات تحقیق:** به نظر می‌رسد زندگی در فضای مدرن از طریق رسانه‌ها، بازاندیشی و تغییر رضایت زندگی زناشویی بر گرایش زوجین به روابط فرازنشویی تأثیر می‌گذارد.
- ۱- به نظر می‌رسد استفاده از رسانه‌های جهانی، بازاندیشی مدرن در تعاملات جنسی و صمیمی زوجین را افزایش می‌دهد.
 - ۲- بازاندیشی مدرن در تعاملات جنسی و صمیمی زوجین، میزان رضایت از رابطه زناشویی را افزایش می‌دهد.
 - ۳- به نظر می‌رسد بین بازاندیشی مدرن با گرایش زوجین به روابط فرازنشویی رابطه معنادار وجود دارد.

- ۴- به نظر می‌رسد رضایت از رابطه زناشویی، گرایش زوجین به روابط فرا زناشویی را کاهش می‌دهد.
- ۵- به نظر می‌رسد استفاده از رسانه‌های جهانی با گرایش زوجین به روابط فرازناشویی رابطه معنادار دارد.

روش

در این پژوهش به منظور بررسی دیدگاه و نگرش افراد نسبت به مسأله روابط فرازناشویی از روش پیمایش و تکنیک پرسش‌نامه استفاده شده است تا شناختی نسبی از وضعیت تغییر نگرش‌ها در زمینه روابط زناشویی فراهم آید. لازم به ذکر است نگارنده قبل از انجام پژوهش کمی، مصاحبه‌های اکتشافی (کیفی) با مسئولین دادگاه و زوجین دارای مشکل را به عمل آورده، و وجود این مسأله در نتیجه مصاحبه‌های کیفی تا حدودی روشن شده بود؛ در نهایت، در ادامه پژوهش از پرسش‌نامه برای رصد کلی و سنجش میزان تغییر افکار و نگرش‌ها در زمینه روابط زناشویی استفاده شده است. در پژوهش مذکور، واحد نمونه‌ای و واحد تحلیل، زوجین جوان شهر قروه هستند و واحد مشاهده فرد است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جمعیت آماری تحقیق حاضر را زوجین جوان ۱۸ تا ۴۲ ساله ساکن شهر قروه تشکیل داده‌اند. در این مطالعه حجم نمونه مقتضی بر حسب دقت مورد نظر و میزان همگنی نمونه پیش‌آزمون از طریق جدول دواس تعیین شد. در علوم اجتماعی معمولاً سطح اطمینان ۰/۹۵ در نظر گرفته می‌شود. همگنی نمونه پیش‌آزمون نیز بر اساس متغیر میزان گرایش به روابط فرازناشویی ۰/۸۰ به ۰/۲۰ به دست آمد. یعنی فقط ۰/۲۰ نسبت به روابط فرازناشویی تمایل نشان دادند و ۰/۸۰ تمایل نداشتند. بنابراین حجم نمونه مقتضی بر حسب دقت مورد نظر و میزان همگنی نمونه پیش‌آزمون ۲۵۷ نفر تعیین شد و در نهایت ۲۶۰ پرسش‌نامه پر شد.

در این تحقیق با لحاظ نمودن محدودیت‌ها و مضایق مالی و زمانی و مسأله دسترسی به چارچوب نمونه‌گیری، از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده می‌شود. در پژوهش حاضر ابتدا با مراجعه به شهرداری قروه و مصاحبه با مسئولین شهرداری مذکور، مناطق شهر قروه بر اساس ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به مناطق پنج‌گانه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شده است. سپس در داخل هر منطقه نیز در ابعاد کوچک‌تر ناحیه و بلوکی به طور تصادفی انتخاب شد و به هر محله ۳۰ - ۲۵ پرسش‌نامه اختصاص یافت^{۱۲}. از میان بلوک‌های انتخاب شده از قسمت شمالی هر محله حرکت و انتخاب واحدهای مسکونی نیز با رعایت عددی قراردادی (دو خانه در میان یا در

واحدهای آپارتمانی دو زنگ در میان) و با رعایت فاصله میان کوچه‌ها (یک کوچه در میان)، انجام پذیرفت. نمونه انتخاب شده که متمایل به پاسخ‌گویی نبودند و یا در خانه حضور نداشتند، انتخاب نمونه از خانه کناری و یا زنگ بعدی البته با همان تناسب مذکور انجام پذیرفت.

گرایش به روابط فرازناشویی^{۱۳}: بر اساس نظر روزنبرگ و هاوولند^{۱۴}، گرایش، آمادگی (تمایل قبلی) برای پاسخی مسلم، قطعی و معلوم به محرک‌هایی خاص است. این پاسخ‌ها با احساس^{۱۵}، شناخت^{۱۶} و رفتار^{۱۷} مرتبط هستند (هیوستن و همکاران، ۱۹۹۰؛ به نقل از پرچمی، ۱۳۸۲: ۴۹). روابط فرازناشویی هنگام ارتباط با شخص دیگری غیر از همسر صورت می‌گیرد که با صمیمیت عاطفی، رابطه جنسی و پنهان‌کاری مشخص می‌شود و وجود هر سه مؤلفه ذکر شده در این رابطه ضروری است (گلاس و رایت، ۱۹۹۹). در این تحقیق، متغیر گرایش به روابط فرازناشویی با ۱۷ گویه تعریف شد. به گونه‌ای که واکنش افراد نسبت به محرک‌هایی خاص هم‌چون کسب هیجان و لذت از تجربه دوباره رابطه عاشقانه با فردی غیر از همسر، درد دل کردن و جبران شدن کمبود محبت به واسطه رابطه برقرار کردن با فردی غیر از همسر، واکنش نسبت به بی‌وفایی همسر و... به صورت طیفی پنج قسمتی مورد سنجش قرار گرفت. این پاسخ‌ها احساس، عقاید و تمایل زوجین نسبت به برقراری رابطه عاطفی یا جنسی با فردی غیر از همسر (جنس مخالف) را منعکس می‌کند (ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴). هم‌چنین به منظور بررسی دقیق‌تر متغیر وابسته ۳ سؤال باز نیز طراحی شد. پس از تکمیل پرسش‌نامه این سؤالات باز به سؤالات بسته تبدیل شد و نتایج آن را توصیف نمودیم. سؤالات باز عبارتند از:

- در زندگی زناشویی‌تان، در چه زمینه‌هایی از همسران راضی نیستید؟
- آیا در طول دوران متأهلی به این موضوع فکر کرده‌اید که با فرد دیگری از جنس مخالف (غیر از همسران) ارتباط دوستی برقرار کنید؟ چرا؟
- آیا از دوستان شما کسانی هستند که رابطه با فردی از جنس مخالف (غیر از همسران) را تجربه کرده باشند؟ علت آن را ذکر کنید.

مصرف رسانه‌های جهانی^{۱۸}: گیدنز جهانی شدن را تقویت مناسبات اجتماعی می‌داند که محل‌های دور از هم را چنان به هم ربط می‌دهد که یک واقعه محلی تحت تأثیر رویدادی که فرسنگ‌ها با آن فاصله دارد شکل می‌گیرد و بالعکس روی رویدادهای دیگر تأثیر می‌گذارد (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۷۲). منظور از مصرف رسانه‌های جهانی در این تحقیق، دسترسی و میزان استفاده از اینترنت و ماهواره (با مقاصد مختلف) است. برای سنجش این متغیر، از طریق مطالعه نظری، نوع و میزان استفاده از دو رسانه جهانی اینترنت و ماهواره مورد نظر واقع شده‌اند.

بازاندیشی: بازانديشي در زندگي اجتماعي مدرن بدین معناست که عملکردها در پرتو اطلاعات تازه پیوسته بازسنجی و اصلاح می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۴۷).

در نتیجه بازاندیشی، الگوهای رفتارهای اجتماعی به طور مداوم دگرگون می‌شود. در این تحقیق بازاندیشی را در دو بعد رابطه جنسی و صمیمی سنجیدیم. ویژگی‌های در نظر گرفته شده برای سنجش این متغیر هم‌چون افزایش قدرت انتخاب فرد در کنش‌ها، برابری و لذت بخش بودن روابط، صمیمانه بودن، گفتگو کردن و... ترکیبی از ویژگی‌های مفهوم بازاندیشی و رابطه ناب‌گیدنز است. گویه‌ها در طیفی پنج‌قسمتی - کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم - سنجیده شد (ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳).

رضایت زناشویی^{۱۹}: الیس^{۲۰} بیان می‌کند رضایت زناشویی عبارت است از احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر، زمانی که همه جنبه‌های ازدواج‌شان را در نظر می‌گیرند (هادیان، ۱۳۸۶: ۹۸). برای سنجش رضایت زناشویی در دو بعد جنسی و صمیمی از گویه‌های نشان دادن علاقه به همدیگر، گفتگو کردن، دعوا کردن در حین گفت‌وگو، لذت بردن از رابطه جنسی و ... استفاده و بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت سنجیده شد (ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸).

متغیرهای زمینه‌ای تحقیق هم شامل سن، جنس، تحصیلات، شغل، درآمد، مذهب، قومیت، نحوه ازدواج، نوع ازدواج، مدت ازدواج، تعداد فرزند و نوع منزل مسکونی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

توصیف متغیرهای تحقیق: متغیرهای پژوهش حاضر در قالب سه نوع متغیر شامل: متغیرهای مستقل، واسط و وابسته می‌باشند. به گونه‌ای مبسوط‌تر متغیرهای مستقل شامل متغیرهای زمینه‌ای و استفاده از رسانه‌های جهانی، متغیرهای واسط بازاندیشی و رضایت زناشویی و در نهایت متغیر وابسته نیز گرایش به روابط فرازناشویی می‌باشد. در ادامه متغیرهای اصلی تحقیق توصیف می‌شود. طبق نتایج تجربی، از میان جمعیت ۲۶۰ نفری نمونه، ۵۴/۳٪ زن و ۴۵/۷٪ مرد هستند که بیشتر افراد نمونه در رده سنی ۲۸ سال قرار دارند.

سطح سواد در میان پاسخ‌گویان زن و مرد از راهنمایی تا دکتری را شامل می‌شود که در این میان بیشترین فراوانی به تحصیلات لیسانس (۳۵/۷٪) اختصاص دارد. به لحاظ وضعیت شغلی در بین زنان بیشترین فراوانی به زنان خانه‌دار (۴۳/۳٪) اختصاص دارد و در بین مردان نیز شغل آزاد (۶۵/۵٪) دارای بیشترین فراوانی است. بیش از نیمی از پاسخ‌گویان یعنی ۷۴٪ و ۷۶٪ به ترتیب شیعه و از قوم کرد و بقیه افراد نمونه فارس و ترک می‌باشند. ۵۰/۸٪ آنان نیز دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط^{۲۱} هستند. در مورد نحوه ازدواج ۶۵٪ افراد آزادانه و به انتخاب خود ازدواج کرده‌اند و ۸۰٪ ازدواج‌ها نیز غیرخویشاوندی بوده است. هم‌چنین بیش از نیمی از پاسخ‌گویان مستقل از والدین خود زندگی می‌کنند.

مصرف رسانه‌های جهانی: در زمینه دسترسی به اینترنت، از مجموع ۲۶۰ نفر پاسخگو ۱۶۳ نفر (۶۲/۷٪) به اینترنت دسترسی دارند که نشان‌دهنده میزان بالای دسترسی پاسخ‌گویان به اینترنت می‌باشد. ۹۷ نفر (۳۷/۳٪) نیز به اینترنت دسترسی ندارند. بیشتر پاسخ‌گویان نیز گاهی اوقات از اینترنت استفاده می‌کنند. در مورد دسترسی پاسخ‌گویان به ماهواره، از مجموع ۲۶۰ نفر، ۱۶۹ نفر (۶۵٪) به ماهواره دسترسی دارند و ۹۱ نفر (۳۵٪) دسترسی ندارند. طبق نتایج بیشتر پاسخ‌گویان هر روز از ماهواره استفاده می‌کنند.

بازاندیشی: میزان بازاندیشی زوجین نمونه در دو بعد جنسی و صمیمیت به شرح ذیل می‌باشد: معادل ۴۳/۸٪ از زوجین ساکن در قروه، بازنگری بالایی در روابط خود داشته‌اند، حدود ۴۳/۵٪ از زوجین بازنگری‌شان در سطح متوسط (به معنی وجود دیدگاه نسبتاً برابر نسبت به همسر در حوزه روابط جنسی و صمیمی) می‌باشد و تنها بازاندیشی ۱۲/۷٪ از زوجین، در سطح پایین می‌باشد. در مجموع میانگین نمره بازاندیشی در بین پاسخ‌گویان برابر با ۲/۳۱ است. این بدان معناست که بیشتر افراد نمونه ما دارای بازاندیشی در سطح بالا هستند^{۲۲}.

رضایت زناشویی: مفهوم رضایت زناشویی، احساس رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر از رابطه جنسی و صمیمی با همسر را می‌سنجد. در مجموع میانگین نمره رضایت زناشویی در بین پاسخ‌گویان برابر با ۲/۶۶ است که نشان می‌دهد رضایت زناشویی زوجین قروه در سطح بالایی است.

متغیر گرایش به روابط فرازناشویی: میانگین نمره گرایش به روابط فرازناشویی در بین پاسخ‌گویان برابر با ۱/۳۳ است که نشان می‌دهد تمایل زوجین قروه به روابط خارج از چارچوب زناشویی بسیار پایین است. ۷۵/۸٪ از زوجین تمایلی به روابط فرازناشویی ندارند، ۱۸/۱٪ در سطح متوسط و تنها ۶/۲٪ به این نوع روابط تمایل نشان داده‌اند.

در بخش رابطه متغیر وابسته با متغیرهای زمینه‌ای، گرایش به روابط فرازناشویی تنها با دو متغیر جنسیت و نحوه ازدواج دارای رابطه معنادار است. نتایج به ترتیب ذیل عبارت است از: نتایج آزمون t مستقل نشان داد که بین میانگین گرایش به روابط فرازناشویی زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد، بدین معنی که میانگین گرایش به روابط خارج از چارچوب زناشویی مردان به طور معناداری بیشتر از زنان است.

برای مقایسه میانگین گرایش به روابط فرازناشویی به تفکیک نحوه ازدواج (سه مقوله‌ای) نتایج آزمون تجزیه و تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد حداقل بین میانگین یک جفت از گروه‌های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود دارد. اما مشخص نیست که این تفاوت بین کدام یک از گروه‌ها است. به همین دلیل از آزمون تعقیبی شفه برای بررسی تفاوت بین میانگین گروه‌ها استفاده کردیم. نتایج

نشان داد که میانگین گرایش به روابط فرازنشویی در بین ازدواج‌های اجباری بیشتر از ازدواج‌های آزادانه و به انتخاب والدین می‌باشد ($P < 0/05$).

جدول ۱: رابطه بین متغیر گرایش به روابط فرازنشویی با متغیرهای زمینه‌ای

متغیر وابسته	متغیر مستقل	طبقات	میانگین‌ها	سطح معناداری	F
گرایش به روابط فرازنشویی	جنسیت	زن	۳۲/۰۷	۰/۰۰۰۷۵	۰/۳۲۱
		مرد	۳۵/۲۱		
نحوه ازدواج	نحوه ازدواج	آزادانه و به انتخاب خود	۳۹/۰۳	۰/۰۰۰	۹/۰۱۶
		پیشنهاد والدین و به انتخاب خود	۳۷/۸۰		
		اجباری	۵۴/۴۳		

در گام بعدی، رابطه متغیر استفاده از رسانه‌های جهانی^{۳۳} را در دو بعد اینترنت و ماهواره جداگانه با متغیر وابسته سنجیدیم. با توجه به جدول ذیل نتایج آزمون نشان داد بین میانگین گرایش به روابط فرازنشویی افرادی که از اینترنت استفاده می‌کنند تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$). در بخش سنجش رابطه بین نوع استفاده از اینترنت با متغیر وابسته نیز، آزمون تجزیه و تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی شفه نشان داد میانگین گرایش به روابط فرازنشویی افرادی که در شبکه‌های اجتماعی مشارکت دارند بیشتر از افرادی است که در زمینه علمی و آموزشی یا سرگرمی از اینترنت استفاده می‌کنند و این بدان معناست که هر چقدر میزان مشارکت افراد در شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد گرایش به روابط فرازنشویی آنان افزایش می‌یابد.

در بررسی میانگین گرایش به روابط فرازنشویی به تفکیک میزان استفاده از ماهواره نیز، آزمون تجزیه و تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی شفه نشان دادند میانگین گرایش به روابط فرازنشویی افرادی که اکثر اوقات از ماهواره استفاده می‌کنند به طور معناداری بیشتر از افرادی است که اصلاً یا گاهی اوقات از ماهواره استفاده می‌کنند ($P < 0/05$).

رابطه بین متغیر نوع استفاده از ماهواره با متغیر وابسته به کمک آزمون t مستقل نشان داد: میانگین گرایش به روابط فرازنشویی افرادی که از فیلم و سرگرمی‌های ماهواره استفاده می‌کنند بیشتر از افرادی است که از برنامه‌های علمی ماهواره استفاده می‌کنند. و این بدان معناست که به میزانی که افراد سریال‌های خانوادگی و سایر سرگرمی‌های ماهواره را می‌بینند تمایل بیشتری به روابط فرازنشویی می‌یابند. این نتیجه می‌تواند به نیاز عاطفی و زیبایی‌شناسانه افراد اشاره داشته باشد و انتخاب برنامه‌های مذکور در راستای ارضای این نیاز، خشنودی بیشتری برای آن‌ها به همراه می‌آورد.

جدول ۲: رابطه بین متغیر گرایش به روابط فرازناشویی با مصرف رسانه‌های جهانی

گرایش به روابط فرازناشویی				وابسته مستقل
Anova F	سطح معناداری	میانگین‌ها	طبقات	
۰/۷۷۶	۰/۴۶۱	۲۷/۷۲۲۴	هیچ وقت	استفاده از اینترنت
		۳۱/۰۳۹۶	گاهی اوقات	
		۳۰/۰۹۲۳	اکثر اوقات	
۴/۷۷۵	۰/۰۰۹	۲۴/۷۵۶۲	هیچ وقت	استفاده از ماهواره
		۳۱/۵۷۲۶	گاهی اوقات	
		۳۲/۲۵۲۹	اکثر اوقات	
۵/۶۲۱	۰/۰۰۷	۲۵/۳۴۲۱	تفریح و سرگرمی	نوع استفاده از اینترنت
		۳۵/۴۵۶۷	شرکت در شبکه‌های اجتماعی	
		۳۰/۵۶۷۸	استفاده علمی	
F (مستقل t)	سطح معناداری	میانگین‌ها		نوع استفاده از ماهواره
		طبقات		
۲/۹۳۹	۰/۰۰۸	۲۰/۱۰۲۲	برنامه‌های علمی	
		۳۴/۱۲۱۱	فیلم و سرگرمی	

رابطه متغیر گرایش به روابط فرازناشویی با بازانديشی مدرن از یک سو و رضایت زناشویی از سوی دیگر با آزمون پیرسون بررسی شده است. طبق نتایج به دست آمده در جدول ۳ رابطه معناداری بین گرایش به روابط فرازناشویی و بازانديشی مدرن در سطح معناداری ۰/۰۰۰ وجود دارد و میزان همبستگی نیز در سطح متوسط به بالا و معکوس (۰/۳۸۲-) است و این بدان معناست که هر چقدر میزان بازانديشی بیشتر باشد میزان گرایش به روابط فرازناشویی کاهش می‌یابد. همچنین بین گرایش به روابط فرازناشویی و رضایت زناشویی در سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه غیر مستقیم و معنادار وجود دارد بدین معنا که هر چقدر میزان رضایت از رابطه زناشویی کمتر باشد میزان گرایش به روابط فرازناشویی افزایش می‌یابد. طبق نتایج می‌توان گفت فرض وجود رابطه بین متغیر گرایش به روابط فرازناشویی با بازانديشی و رضایت زناشویی تأیید می‌شود.

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون بین گرایش به روابط فرازناشویی با بازانديشی و رضایت زناشویی

متغیر	بازانديشی	رضایت زناشویی
گرایش به روابط فرازناشویی	-۰/۳۸۲	-۰/۴۴۱
معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

میانگین بازانديشی مدرن به تفکیک میزان استفاده از اینترنت و با استفاده از آزمون تجزیه و تحلیل واریانس یک طرفه حاکی از آن است که بین میانگین بازانديشی گروه‌های مورد مقایسه

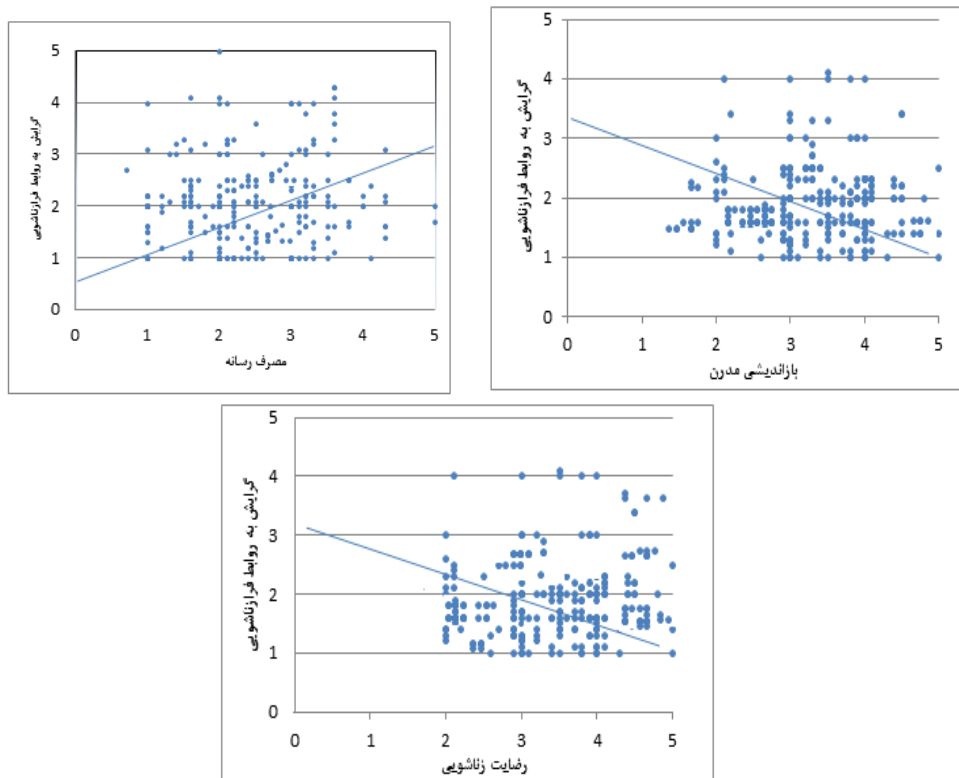
تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$). همچنین نتایج سنجش رابطه بین نوع استفاده از اینترنت با متغیر بازاندیشی مدرن با آزمون تجزیه و تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی شفه نشان داد میانگین بازاندیشی افرادی که در زمینه علمی و آموزشی از اینترنت استفاده می‌کنند بیشتر از افرادی است که از اینترنت به منظور تفریح و سرگرمی و یا شرکت در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. بین میانگین بازاندیشی افرادی که از برنامه‌های مختلف ماهواره استفاده می‌کنند تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$). طبق آزمون t مستقل نتایج سنجش رابطه بین نوع استفاده از ماهواره با متغیر بازاندیشی مدرن نشان داد میانگین بازاندیشی افرادی که برنامه‌های علمی و آموزشی را از ماهواره می‌بینند بیشتر از افرادی است که صرفاً برنامه‌های سرگرم‌کننده و فیلم‌های ماهواره را می‌بینند.

بر اساس نتایج جدول ذیل، بین بازاندیشی مدرن و رضایت زناشویی در سطح معناداری $0/000$ رابطه معناداری وجود دارد و میزان هم‌بستگی نیز در سطح نسبتاً بالایی ($0/457$) است و این بدان معناست که هر چقدر بازاندیشی افراد بیشتر باشد میزان رضایت زناشویی آن‌ها بالا می‌رود. بنابراین فرضیه وجود رابطه مستقیم بین متغیر بازاندیشی و رضایت زناشویی تأیید می‌گردد.

جدول ۴: رابطه بین متغیرهای مستقل

Anova F	سطح معناداری	میانگین‌ها	طبقات	متغیر مستقل	متغیر وابسته	
0/603	0/548	57/5078	خیر	میزان استفاده از اینترنت	بازاندیشی مدرن	
		55/4153	گاهی اوقات			
		58/0355	اکثر اوقات			
4/345	0/006	50/1235	تفریح و سرگرمی	نوع استفاده از اینترنت		
		54/2165	شرکت در شبکه‌های اجتماعی			
		59/1236	استفاده علمی			
1/753	0/175	57/2807	خیر	میزان استفاده از ماهواره		
		52/6868	گاهی اوقات			
		58/1250	اکثر اوقات			
F (ت مستقل)	سطح معناداری	میانگین‌ها	طبقات	نوع استفاده از ماهواره		بازاندیشی مدرن
4/135	0/063	58/3454	برنامه‌های علمی			
		51/2365	فیلم و سرگرمی			
N	Sig	R پیرسون	متغیرها			
260	0/000	0/457	بازاندیشی	مستقل		
			رضایت زناشویی	وابسته		

در قسمت آخر تحلیل داده‌ها، برای این‌که شمایی کلی از عوامل تبیین‌کننده و مؤثر بر گرایش به روابط فرازنشویی ارائه دهیم، ابتدا با کمک نمودار نقطه‌نگار خطی بودن رابطه هر یک از متغیرهای مستقل با وابسته مشخص شد؛ در این میان سه متغیر مصرف رسانه (شرکت در شبکه‌های اجتماعی اینترنت)^{۲۴}، متغیر بازاندیشی مدرن و رضایت زناشویی با متغیر وابسته دارای رابطه خطی بودند. سرانجام، پس از تحلیل رگرسیون چند متغیره داده‌ها، تحلیل مسیر مدل نظری پژوهش ترسیم شد.



شکل ۱: نمودار نقطه‌نگار رابطه بین متغیر وابسته با متغیر مصرف رسانه، بازاندیشی مدرن و رضایت زناشویی

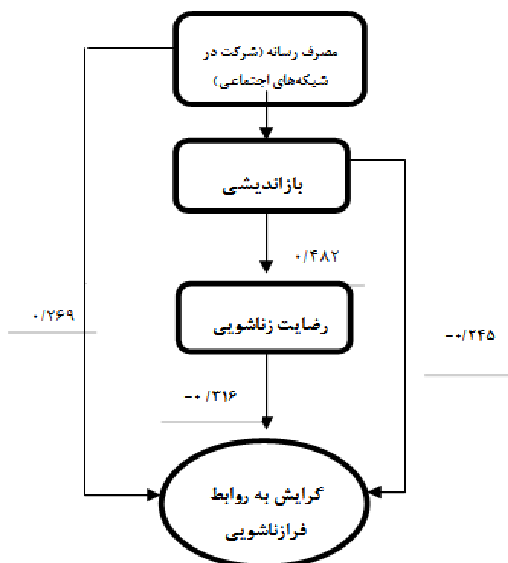
بر اساس جدول ذیل: با توجه به ضرایب اف از میان متغیرهای مستقل وارد شده در معادله، سه متغیر مصرف رسانه، بازاندیشی و رضایت زناشویی با متغیر وابسته رابطه معنادار داشتند. ضریب تعیین^{۲۵} نیز نشان می‌دهد ۳۸٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط ۳ متغیر مذکور در مدل تبیین می‌شود.

جدول ۵: عناصر عمده تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای تبیین تغییرات متغیر وابسته

متغیرهای مستقل	مدل ۱ Beta	مدل ۲ Beta	مدل ۳ Beta
مصرف رسانه (نوع استفاده از اینترنت)	۰/۲۶۹	-	-
بازاندیشی مدرن	-۰/۲۴۵	۰/۴۸۲	-
رضایت زناشویی	-۰/۳۱۶	-	-
ضریب هم‌بستگی چندگانه (R)	۰/۶۲		
ضریب تعیین (R ²)	۰/۳۸۶		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۴۷		
مقدار F	۱۲/۴۱		

با توجه به بتاهای به دست آمده، متغیر بازاندیشی قوی‌ترین تأثیر را به طور غیرمستقیم و از طریق متغیر رضایت زناشویی بر متغیر گرایش به روابط فرازناشویی دارد و به تنهایی حدود ۰/۴۸۲ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده است و بعد از آن دیگر متغیرها قرار گرفته‌اند. در نهایت با توجه به مقادیر بتای مدل اول در جدول ۵ می‌توان گفت که به ترتیب متغیر رضایت زناشویی و بازاندیشی مدرن و مصرف رسانه بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند. در مدل دوم رضایت زناشویی به عنوان متغیر وابسته وارد معادله شد که مشخص شد بازاندیشی مدرن بیشترین تأثیر غیرمستقیم را بر گرایش به روابط فرازناشویی دارد. در مدل سوم بازاندیشی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد که رابطه آن با هیچ کدام از متغیرها معنادار نشد.

مدل ۲: تحلیل مسیر



نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی گرایش افراد به روابط فرازنشویی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن پرداخته‌ایم. به عبارت دیگر، بر اساس رویکردهای نظری جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، مکانیسم تأثیرگذاری استفاده از رسانه‌های جهانی (اینترنت و ماهواره) بر گرایش زوجین به روابط فرازنشویی را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

بر اساس نتایج پژوهش، میانگین بازاندیشی زوجینی که برنامه‌های علمی رسانه‌ها را دنبال می‌کنند بیش از میانگین بازاندیشی افراد دیگر است. این نتیجه بیان‌گر دیدگاه‌گیدنز است؛ یعنی افزایش اطلاعات و ارتباطات از عوامل بازنگرانه و بازاندیشانه افراد نسبت به تغییر نگرش‌های جنسی و صمیمی بین زن و مرد است. از نظر گیدنز (۱۳۸۷) عشق، روابط صمیمی و جنسی، تحت تأثیر مدرنیته دچار تحول شده‌اند در حالی که در فرهنگ سنتی این عناصر تابعی از جنسیت، پایگاه اجتماعی و... بودند. بر اساس نظر وی، یکی از تأثیرات جهانی شدن در حوزه خانواده این است که موقعیت زنان و موازنه قدرت آن‌ها با مردان در حال تغییر است. جوامع ما از نظر روابط میان دو جنس، هر روز مساوات‌طلب‌تر می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

از دیگر نتایج پژوهش، ارتباط مستقیم و معنادار بین بازاندیشی مدرن و رضایت زنشویی است. این یافته به دیدگاه‌گیدنز (۱۳۸۸) اشاره دارد که در دوره جدید، بازاندیشی ویژگی هر گونه کنش انسانی است. نقش الگوهای سنتی در جهت‌دهی به کنش افراد کمرنگ می‌شود و افراد در پرتو اطلاعات تازه دائماً کنش‌های خود را بازتفسیر می‌کنند. بازاندیشی در حوزه روابط خانوادگی بر مبنای ارزش‌های برابری بین زن و مرد، زوجین را به سمت داشتن رابطه‌ای ناب و لذت‌بخش با همسر سوق می‌دهد. همچنین بین گرایش به روابط فرازنشویی با بازاندیشی مدرن از یک سو و گرایش به روابط فرازنشویی با رضایت زنشویی از سوی دیگر هم‌بستگی معنادار و معکوسی به دست آمد که نشان می‌دهد به میزانی که بازاندیشی و به دنبال آن رضایت زوجین از رابطه جنسی و صمیمی با همسر بیشتر باشد تمایل کمتری به روابط فرازنشویی پیدا می‌کنند. بنابراین بر اساس مدل نظری بازاندیشی از طریق رضایت زنشویی بر تمایل به روابط فرازنشویی تأثیر می‌گذارد. بر این اساس می‌توان گفت دیگر افراد صرفاً با هدف بازتولید نسلی یا اقتصادی ازدواج نمی‌کنند بلکه عشق و رضایت عاطفی و جنسی مبنای پیوند دو فرد قرار می‌گیرد. از نگاه گیدنز (۱۹۹۲)، در دوران جدید، زن و مرد دنبال رابطه‌ای صمیمی و برابر هستند. از طرفی بازنگری در روابط جنسی و صمیمی با سیال بودن و شکننده بودن همراه است بدین معنا که افراد تا موقعی در رابطه باقی می‌مانند که به لحاظ عاطفی و جنسی رضایت داشته باشند.

همچنین طبق نتایج میانگین گرایش به روابط فرازنشویی افرادی که اکثر اوقات از ماهواره استفاده می‌کنند به طور معناداری بیشتر از افرادی است که گاهی اوقات از ماهواره استفاده می‌کنند

یا این که اصلاً دسترسی به ماهواره ندارند و میانگین گرایش به روابط فرازناشویی زوجینی که سریال‌های ماهواره را می‌بینند و یا در شبکه‌های اجتماعی مجازی مشارکت می‌کنند بیشتر از سایر افراد به دست آمد. فرض بنیادین نظریه استفاده و خشنودی این است همه مخاطبان به یک اندازه از برنامه‌ها و پیام‌های رسانه‌ها تأثیر نمی‌پذیرند، بلکه بر اساس نیازها و انتظارات خودشان دست به تفسیر می‌زنند و تأثیرات متفاوتی از آن‌ها می‌گیرند.

از نظر بلامر و کاتز مخاطبان محتوایی را انتخاب می‌کنند که بیشترین خشنودی را برای آن‌ها فراهم کند (ویندال و همکاران، ۱۳۷۶). طبق این نظریه مخاطب آگاهانه و طبق نیاز خود رسانه و برنامه مورد نظرش را انتخاب می‌کند. بنابراین دیدن برنامه‌هایی با محتوای جنسی و خیانت (مثل سریال‌های خانوادگی ماهواره و...)، ممکن است داشتن رابطه جنسی آزاد را برای افراد به امری طبیعی و عادی تبدیل کند. هم‌چنین آنان را به سمت ارزش‌های لذت‌گرایانه و داشتن روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج ترغیب می‌کند. افراد با انگیزه‌های مختلفی مانند یافتن دوست برای فرار از تنهایی و... در فیس‌بوک و گروه‌های بحث شرکت می‌کنند. طبق نتایج توصیفی مردان (۳۲ نفر) بیشتر از زنان (۱۰ نفر) در شبکه‌های اجتماعی مشارکت می‌کنند. بنابراین اینترنت به واسطه مهیا کردن مکان ملاقاتی برای افراد با سلیقه‌های مشترک و غلبه بر محدودیت‌های زمانی و مکانی، کنش متقابل افراد را افزایش می‌دهد و تعامل مجازی را جایگزین ارتباط واقعی می‌کند. با این وجود هر چند اینترنت نمی‌تواند علت بی‌وفایی باشد ولیکن اینترنت می‌تواند اقدام به روابط فرازناشویی را آسان‌تر نماید. این نتیجه بیان‌گر نتایج پژوهش احمدی (۱۳۹۱) روی زوجین خیانت کرده می‌باشد که افراد متأهل به دلیل نداشتن رابطه گرم و صمیمی در زندگی مشترک، وجود مشکلات ارتباطی با همسر و فرار از تنهایی ساعات زیادی را در فضای مجازی به سر می‌برند. هم‌چنین پژوهش اصغری (۱۳۸۷) و سیدروغنی (۱۳۹۲) نیز نشان داد که استفاده از رسانه‌های جهانی موجب تغییر نگرش جوانان نسبت به الگوها و تعاملات جنسی و پذیرش الگوهای جدید می‌شود.

از بین متغیرهای زمینه‌ای، گرایش به روابط فرازناشویی با دو متغیر جنسیت و نحوه ازدواج دارای رابطه معنادار است. طبق نتایج، میانگین گرایش به روابط فرازناشویی مردان به طور معناداری بیشتر از زنان است. این نتیجه با یافته‌های داخلی و خارجی هم‌چون احمدی (۱۳۹۱)، کاوه (۱۳۸۷)، گلاس و رایت (۱۹۹۹)، لیو (۲۰۰۰) و بلو و هارتنت (۲۰۰۵) مطابقت دارد. بر اساس نتایج این پژوهش‌ها، مردان بیشتر از زنان دنبال لذت جسمی و جنسی هستند، به همین دلیل بیشتر از زنان به برقراری روابط جدید و تجربه هیجان یک رابطه جنسی جدید گرایش دارند. در مورد نحوه ازدواج نیز میانگین گرایش به روابط فرازناشویی در بین ازدواج‌های اجباری بیشتر از ازدواج‌های آزادانه و به انتخاب والدین می‌باشد. ذیل نتیجه مذکور می‌توان به نتایج پژوهش نیک‌پرور و همکارانش (۱۳۹۰) اشاره کرد که به نظر می‌رسد با افزایش تسهیلات فرهنگی و آموزشی و گسترش رسانه‌ها ملاک‌های

ازدواج و نقش خانواده در انتخاب همسر تغییر کرده است. به عبارت دیگر، فرد و اراده او اهمیت بیشتری یافته است.

به طور کلی نتایج آزمون رابطه بین متغیرها نشان می‌دهد متغیرهای مصرف رسانه‌های جهانی، بازاندیشی و رضایت زناشویی، ۰/۳۸ از تغییرات متغیر گرایش به روابط فرازناشویی را تبیین می‌کنند که در این میان طبق نتایج تحلیل مسیر، متغیر بازاندیشی با ضریب تأثیر ۰/۴۸۲ مهم‌ترین و قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده تغییرات گرایش به روابط فرازناشویی در میان زوجین می‌باشد و متغیرهایی که در مرحله بعد قرار می‌گیرند متغیر رضایت زناشویی و شرکت در شبکه‌های اجتماعی است که از ادبیات نظری جهانی شدن و روابط زناشویی مشتق شده‌اند.

در مجموع نتایج پژوهش نشان داد میزان دسترسی افراد نمونه به رسانه‌های گروهی بالاست و در زمینه‌های مختلفی از آن‌ها استفاده می‌کنند. هم‌چنین میزان بازاندیشی و رضایت زناشویی در سطح بالایی بود و به تبع آن گرایش زوجین قروه به روابط فرازناشویی در حد بسیار پایینی به دست آمد. اما نتایج شاخص‌های پرسش‌نامه تا حدی با نتایج سؤالات باز متناقض به دست آمد. به گونه‌ای که در سطح نگرش و رفتار بازاندیشانه و رضایت زوجین به نظر می‌رسد اکثر آنان رابطه ناب و کاملاً رضایت‌بخشی را با همسر خود دارند و تمایلی نیز به روابط فرازناشویی ندارند. اما در قسمت سؤالات باز، بیش از نیمی از زوجین از روابط با همسر خود رضایت ندارند و بسیاری به بی‌وفایی دوستانشان اشاره کرده، اما تمایل خود را به روابط خارج از چارچوب زناشویی تا حد زیادی پنهان کرده‌اند. نگارنده با توجه به شواهد و یافته‌های خود و دیگران دلایل احتمالی آن را در سه دسته تقسیم نموده است:

۱- دلایل تئوریکی آن را بر اساس نظر گیدنز (۱۳۸۴، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸ و ۱۹۹۲) می‌توان این گونه بیان کرد که دگرگونی‌های ناشی از جهانی شدن و بر هم خوردن نظم سنتی فضا و مکان که امکانات ارتباط از راه دور را فراهم آورده است در کنار افزایش تحصیلات و آگاهی افراد، قدرت انتخاب و آزادی بیشتری را به افراد داده است تا کنش‌های خود را آزادانه‌تر انجام دهند. به عنوان مثال اکثر افراد خود، همسرشان را انتخاب می‌کنند و والدین نقش ثانویه و حمایت‌کننده‌ای در این بین دارند. به طوری که میزان ازدواج‌های خویشاوندی و زندگی کردن با والدین همسر نیز در میان افراد نمونه بسیار پایین بود. هم‌چنین بسیاری از پاسخ‌گویان موافق بودند که عشق رمانتیک و رضایت دوطرفه باید مبنای ازدواج باشد. بنابراین می‌توان گفت افراد از برخی - نه همه - نگرش‌های سنتی و نابرابرانه روابط زن و مرد فاصله گرفته‌اند.

۲- تبیین دیگری که با الهام از دواس (۱۳۸۷)، برای یافته‌های متناقض می‌توان ارائه داد این است که چه بسا پاسخ‌گویان به پرسش‌هایی که برای سنجش برابری زن و مرد تدوین شده پاسخ‌هایی بدهند که از نظر اجتماعی مطلوب محسوب می‌شود. اما پرسش‌های زیرکانه‌تر نشان داد همان افراد

به برابری تمایل ندارند. از نظر دواس، گاهی اوقات نتایج متناقض بازتاب تناقض واقعی است: بازتاب ناهماهنگی بین نگرش و کردار مردم، تناقضات موجود در جهان‌بینی‌ها و مانند این‌هاست. پژوهش‌های دیگر هم‌چون گرامیانیک (۱۳۸۸) نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که افراد اصولاً در سطح نگرش و ایده‌آل بازاندیشی می‌کنند و خواهان برابری روابط بین زن و مرد هستند. اما در سطح رفتار (مثل همکاری با زن در امر خانه‌داری، اداره امور زندگی، تأمین نیازهای عاطفی همدیگر) هم‌چنان از الگوهای نابرابر و نقش زن خانه‌دار و مرد نان‌آور پیروی می‌کنند.

۳- از جمله دلایل دیگر که به عنوان عامل تناقض یافته‌ها در این نمونه می‌توان مطرح می‌شود؛ نوظهور بودن بررسی مسائل زناشویی در قروه، حساسیت موضوع و ترس افراد از افشا شدن روابط شخصی‌شان می‌باشد.

واکاوی سؤالات باز تحقیق تا حدی لایه پنهان مسائل و مشکلات روابط زناشویی را آشکار می‌کند. به طوری که از بین ۱۷۶ نفر افراد پاسخ‌گو به سؤال رضایت از همسر، ۹۰ نفر (زن و مرد به طور مساوی) از همسر خود ناراضی هستند (اغلب به دلیل بی‌مسئولیتی و نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی). هم‌چنین طبق نتایج تنها ۰/۶٪ (۱۷ نفر مرد و ۷ نفر زن) از پاسخ‌گویان بیان کرده‌اند که با فردی غیر از همسرشان رابطه (عاطفی یا جنسی) برقرار کرده‌اند. در حالی که اکثر زوجین همان طور که گفته شد در بعد رفتار، در صورت نارضایتی از روابط تمایل به خیانت دارند. استناد دیگر نیز این است که ۵۵/۱٪ پاسخ‌گویان (۶۶ مرد و ۳۰ زن) دوستان‌شان با فردی غیر از همسرشان رابطه (عاطفی یا جنسی) برقرار کرده‌اند. این تناقض بین پاسخ‌ها نشان می‌دهد که اکثر پاسخ‌گویان محافظه‌کارانه به این سؤال پاسخ داده‌اند و همه واقعیت را بیان نکرده‌اند، چرا که آن‌ها نیز در چنین شرایطی و با این افراد در تعامل هستند و از همدیگر تأثیر می‌پذیرند.

بر اساس نظر پاسخ‌گویان، نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی با همسر مهم‌ترین عامل گرایش به روابط فرازناشویی محسوب می‌شود. این یافته‌ها تأییدکننده دیدگاه‌های لواندوسکی و آکرمن (۲۰۰۶)، ازکمپ (۱۳۶۹) و دستاورد محققانی هم‌چون احمدی (۱۳۹۱)، کاوه (۱۳۸۷) و یسل و گاسانو (۲۰۱۰) می‌باشد. از سوی دیگر یافته‌های پژوهش اسماعیل‌پور و همکارانش (۱۳۹۲) نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی سازنده نقش مهمی در رضایت زناشویی و کاهش آسیب‌های نارضایتی آنان از زندگی دارد. به طور کلی می‌توان گفت بروز تحولات اجتماعی و فرهنگی موجب شده است ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به خانواده سنتی تا حدی دچار دگرگونی شود. با تضعیف هنجارهای سنتی، الزام اجتماعی برای ازدواج کاهش می‌یابد و انگیزه‌ها و خواست‌های رمانتیک مبنای ازدواج قرار می‌گیرد. از طرفی استفاده‌های متفاوت از رسانه‌ها مثل جست‌وجوی اطلاعات علمی، مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و دیدن سریال‌های خانوادگی، انتظارات و نیازهای جدیدی را برای زوجین ایجاد کرده است. اما نهادهای اجتماعی و آموزشی مدرن در این مناطق وجود ندارد که

پاسخ‌گوی این نیازها و انتظارات جدید باشد و حقوق و وظایف زن و مرد را به آنان آموزش دهد. در نتیجه ناآگاهی از حقوق و تکالیف متقابل، ضعف در یادگیری مهارت‌های ارتباطی و زناشویی در کنار سایر عوامل فرهنگی (مثل دخالت خانواده‌ها، فرهنگ مردسالاری) زمینه‌ساز بروز اختلافات و کشمکش، کاهش علاقه و محبت و گرایش به روابط خارج از چارچوب ازدواج می‌شود.

محدودیت‌ها

۱. مسائل و مشکلات ناشی از جمع‌آوری اطلاعات در مناطق بالا و پایین شهر قروه به دلیل عدم همکاری کامل افراد منطقه و نو بودن و حساسیت موضوع پژوهش
۲. کمبود آمار و پژوهش‌های علمی راجع به مسائل زناشویی و خانواده در کردستان

پیشنهادات پژوهشی

۱. آزمون مجدد تحقیق حاضر در نمونه‌های آماری دیگر
۲. انجام تحقیق با روش کیفی روی افراد خیانت کرده به منظور درک عمیق‌تر مسأله و با در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خاص مناطق
۳. تفکیک قائل شدن بین انواع روابط زناشویی (جنسی، عاطفی، دوستی اجتماعی و...) و بررسی آن در بین افرادی با تحصیلات مختلف
۴. بررسی گرایش به خیانت در سطح فضای مجازی به صورت مصاحبه فردی یا گروهی با کاربران شبکه‌های اجتماعی به تفکیک هدف آن‌ها از مشارکت در این شبکه‌ها
۵. بررسی تأثیر محتوای رسانه‌ها بر نگرش و رفتار به تفکیک جنس در یک نمونه کوچک

پی‌نوشت‌ها

1. Extramarital involvement
2. Pittman
3. Giddens
4. Globalization
5. Traditionalism
6. Social Reflexivity
7. Passionate Love
8. Romantic Love
9. Influent love
10. Pure Relationship
11. Katz

۱۲. نکته شایان ذکر این می‌باشد که در این بخش از روند پژوهش به دلیل عدم دستیابی به جمعیت دقیق هر محله از نمونه‌گیری متناسب با حجم محلات استفاده نشده است و از هر محله بین ۲۵-۳۰ پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است.

13. Tendency to Extramarital involvement

14. Rosenberg & Hovland

15. Affect

16. Cognition

17. Behavior

18. Consumption of global media

19. Marital satisfaction

20. Ellis

۲۱. یعنی درآمدی حدوداً معادل ۸۰۰-۶۰۰ هزار تومان و تحصیلات فوق دیپلم و با فعالیت در مشاغل اداری و صاحبان مشاغل کوچک. لازم به ذکر می‌باشد پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط با توجه به یافته‌های حاصل از نمونه قروه تعریف گشته است. بدین معنا که پایگاه مذکور در مناطق دیگر به عنوان مثال کلان‌شهرها احتمالاً عنوان دیگری غیر از متوسط را به خود اختصاص می‌دهد.

۲۲. نکته قابل ذکر این است که در بخش توصیف متغیر بازاندیشی، به منظور سهولت و تدقیق بیشتر توصیف شاخص‌ها، طیف ۵ گزینه‌ای را به سه قسمت (مخالقم، تاحدی، موافقم) تقسیم نمودیم. طیف مخالفم حاصل جمع فراوانی کد ۱ و ۲ می‌باشد (و کد آن به ۱ تغییر یافت)، طیف تاحدودی با همان فراوانی محاسبه شد و تنها کد آن از ۳ به ۲ تغییر یافت. طیف موافقم نیز حاصل جمع فراوانی کد ۴ و ۵ می‌باشد (و کد آن به ۳ تغییر یافت)؛ بنابراین عدد ۱ نشان‌دهنده میزان پایین بازاندیشی و عدد ۳ نشان‌دهنده میزان بالای بازاندیشی است. در مورد رضایت زناشویی و گرایش به روابط فرزاناشویی نیز، به طریق مذکور عمل کرده‌ایم.

۲۳. لازم به ذکر است که در خصوص متغیر هدف استفاده از اینترنت ابتدا گویه‌ها را وارد تحلیل عاملی کردیم به طوری که گویه‌ها روی سه عامل، بار شدند. سپس مقوله‌های هر دسته را با هم کامپیوت نموده و به سه متغیر تبدیل کردیم. به عنوان مثال مقوله‌های استفاده علمی - آموزشی، استفاده به عنوان رسانه خبری و کسب اطلاعات بهداشتی و عمومی در یک دسته با عنوان استفاده علمی از اینترنت قرار گرفتند. شرکت در شبکه‌های اجتماعی، شرکت در گروه‌های بحث و گفت‌وگو، استفاده از اینترنت برای دوست‌یابی و استفاده از تصاویر و فیلم‌های جنسی نیز در یک دسته با عنوان شرکت در شبکه‌های اجتماعی قرار گرفتند. تفریح و سرگرمی و دانلود فیلم و موسیقی نیز در دسته دیگری با عنوان استفاده از نت به عنوان تفریح و سرگرمی قرار گرفتند. در خصوص متغیر نوع برنامه دیده شده از ماهواره نیز به شیوه مذکور عمل نمودیم با این تفاوت که مقولات در دو دسته علمی - آموزشی و فیلم و برنامه‌های سرگرم‌کننده قرار گرفتند.

۲۴. متغیر کیفی مصرف رسانه (در بعد نوع استفاده از اینترنت و ماهواره) را به طور جداگانه به متغیرهای صفر و یک (مثلاً به مقوله استفاده علمی از اینترنت عدد یک و به بقیه موارد عدد صفر اختصاص داده‌ایم، شرکت در شبکه‌های اجتماعی نیز عدد یک و بقیه موارد عدد صفر و...) تبدیل کرده‌ایم تا قابلیت ورود در تحلیل رگرسیون را داشته باشد. به عبارتی متغیر نوع استفاده از اینترنت و ماهواره بر حسب تعداد مقولات به متغیرهای صفر و یک تبدیل شده‌اند و پس از ترسیم نمودار خطی متغیرهایی را که با متغیر وابسته رابطه خطی داشتند وارد تحلیل رگرسیون کرده‌ایم.

25. R Square

۲۶. در تحقیق مورد نظر، برای توصیف سؤالات باز، ابتدا تمام مفاهیم یا کدهای موجود در داده‌ها استخراج شد. در مرحله دوم کدهای استخراج شده تحت عناوین فراگیرتری دسته‌بندی شدند. بدین صورت که برای هر سؤال چندین مقوله در نظر گرفته شد که تمام جواب‌های پاسخ‌گویان را در برگیرد. در نهایت داده‌های پرسش‌نامه طبق کدهای داده شده به مقولات هر سؤال وارد نرم‌افزار شدند که نتایج مهم آن در قسمت نتیجه‌گیری بیان می‌شود.

منابع

- احمدی، ن. (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی روابط خارج از چارچوب ازدواج. پایان‌نامه ارشد، رشته مطالعات زنان، دانشگاه تهران.
- ازکمپ، ا. (۱۳۶۹). روان‌شناسی اجتماعی - کاربردی. ترجمه فرهاد ماهر، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- اسماعیل‌پور، خ. و همکاران (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی همسران براساس باورهای ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۲۹-۴۴
- اصغری، س. (۱۳۸۷). تأثیر جهانی شدن در بازاندیشی تعاملات جنسی در بین جوانان ایرانی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)، پایان‌نامه ارشد، رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا.
- پرجمی، د. (۱۳۸۲). سنجش گرایش مردم به بسیج، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ششم، شماره ۱۹-۱۸: ۹۰-۴۵.
- تاملینسون، ج. (۱۳۸۱). جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۷). پیمایش در تحقیقات علوم اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- سورین، و. و تانکار، د. (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سیدروغنی، ن. (۱۳۹۲). بررسی رابطه استفاده از اینترنت و نگرش جنسی در میان جوانان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهشگری، دانشگاه الزهرا.
- کاوه، س. (۱۳۸۷). همسران و بی‌وفایی و خیانت: بررسی عوامل مؤثر شناخت ویژگی‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده و پیامدهای ناشی از عارضه بی‌وفایی و خیانت میان همسران، تهران: نشر سخن.
- گرامیان ن. م. (۱۳۸۸). رابطه ناب و تغییر شکل صمیمیت در جوانان ۱۸-۳۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات جوانان، دانشگاه تهران.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلایی‌پور، چاپ اول، تهران: نشر طرح نو.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۷). تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۸). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- ناصری، ع. (۱۳۹۰). عنوان طرح: بررسی علل و عوامل مؤثر بر طلاق در استان کردستان (نمونه زوجین متقاضی طلاق در سال‌های ۸۹-۹۰)، سازمان بهزیستی استان کردستان، دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی.
- نیک‌پرور، ف. و همکاران (۱۳۹۰). تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل: ارائه یک مدل زمینه‌ای مقدماتی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۲۰۵-۱۸۷
- هادیان، ز. (۱۳۸۶). رابطه بین انتظارات از همسر و رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان متأهل شهر تهران، پایان‌نامه ارشد، رشته مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا.
- هارلی، و. اف و چالمرز، ج. ه. (۱۳۸۵). رهایی از خیانت‌های زناشویی، ترجمه شمس‌الدین حسینی و الهام آرام‌نیا، تهران: نسل نو اندیش.
- ویندال، س. (۱۳۷۶). کاربرد نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- Allen, E. S., & Atkins, D. C., (2012). The Association of Divorce and Extramarital Sex in a Representative U.S. Sample. *Journal of Family Issues*, 33(11) 1477-1493.
- Allen, E. S., & Baucom, D. H., (2004). Adult attachment and pattern of extradyadic involvement. *Family Process*, 43(4) 467-488.

- Blow, A. J., & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships II: A substantive review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31(2), 217-233.
- Buss, D. M., & Shackelford, T. K. (1997). Susceptibility to infidelity in the first year of marriage. *Journal of Research in Personality*, 31, 193-221.
- Gabb, J. (2008). *Researching Intimacy in Families*. Palgrave Macmillan Ltd: Basingstoke- Laura Centemeri.
- Giddens, A. (1992). *The Transformation of Intimacy: Sexuality, Love, and Eroticism in Modern Societies*. California: Stanford University Press.
- Glass, S. P., & Wright, T. L. (1999). Reconstructing marriages after the trauma of infidelity. In W. K. Halford & H. J. Markman (Eds), *Clinical handbook of marriage and couples interventions*. New York: John Wiley & Sons.
- Lewandowski, G. W. & Ackerman, R. A. (2006). Something's Missing: Need Fulfillment and Self-Expansion as Predictors of susceptibility to Infidelity. *The Journal of social Psychology*, 164 (4), 389-403.
- Liu, C., (2000). A theory of marital sexual life. *Journal of Marriage and Family*, 62(2) 363-374.
- Mark, K. P., Janssen. E., Milhausen. R. R., (2011). Infidelity in Heterosexual Couples: Demographic, Interpersonal, and personality-Related predictors of extradyadic sex. *Archives of Sexual Behavior*, 40(5) 971-982.
- Yucel, D. and Gassanov, M. A. (2010). Exploring Actor and Partner Correlates of Sexual Satisfaction among Married Couples. *Social Science Research*, 39(5) 725-738.